

دو فصلنامه فلسفی شناخت، «ص ۷۵-۸۸»
پژوهشنامه علوم انسانی: شماره ۱/۷۱
پاییز و زمستان ۱۳۹۳، Knowledge, No.71/1

معرفت‌شناسی اختلاف؛ مفهوم‌ها، پرسش‌ها، پاسخ‌ها

روح‌اله رضانی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۰/۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۲/۲۰

چکیده

معرفت‌شناسی اختلاف بحثی زنده در معرفت‌شناسی تحلیلی معاصر است. این نوشتار به مفهوم‌ها و پرسش‌های مربوط به این بحث پرداخته و پاسخ‌های موجود را بررسی می‌کند. دو پرسش مرتبط طرح خواهد شد: (۱) آیا از نقطه‌نظر معرفتی باقی‌ماندنِ همتایان معرفتی در اختلاف عقلانی است، و (۲) وظیفه معرفتی درگیران در این شکل از اختلاف چیست؟ استدلال خواهد شد که تبیین امکان اختلاف عقلانی مستلزم رویکردی به عقلانیت است که از یک سو جمع‌گرا باشد، یعنی سرشت جمع‌گرایانه شناخت را به رسمیت بشناسد، و از سوی دیگر پویایی شناخت را مورد توجه قرار دهد. از آنجا که چنین ویژگی‌هایی بر بستر کنش‌های گفتگو - بنیاد تحقق می‌یابد، این نوشتار نتیجه می‌گیرد که شرط عقلانی بودن اختلاف همتایان برقراری گفتگو در معنای گسترده آن است. بر این اساس، در زمینه وظیفه معرفتی همتایان اختلاف‌مند نیز نوشتار پیش‌رو نتیجه می‌گیرد که وظیفه معرفتی هریک از همتایان اختلاف‌مند نه تعلیق باور خود بلکه صرفاً تعدیل آن است.

واژگان کلیدی: اختلاف عقلانی، همتایی معرفتی، عقلانیت جمع‌گرا، پویایی معرفتی.

* دانش‌آموخته دکتری رشته فلسفه، دانشگاه شهید بهشتی. آدرس الکترونیکی:

Ramzani2012@gmail.com

پیش‌گفتار

دیوید هیوم جایی گفته است:

«چیزی نیست که بحثی در آن نباشد و آدمیان آموزنده درباره آن اختلاف نظر نداشته باشند.»^۱

این سخن اغراق نیست. توافق و هم‌نظری در مناسبات بشری آسان به دست نمی‌آید. برعکس، اختلاف و ناهم‌نظری زندگی آدمیان را فراگرفته است، حتی وقتی در پی تبیین توافق برمی‌آییم باز اختلاف پیدا می‌کنیم و، نومیدسازتر، حتی وقتی در پی تبیین اختلاف برمی‌آییم باز هم اختلاف دامن‌گیرمان می‌شود! با این حساب، شگفت نیست که بحث اختلاف یکی از بحث‌های زنده و پویا در معرفت‌شناسی تحلیلی در دهه اخیر بوده است. گویا پس از ناکامی همه کوشش‌های شناخت‌پژوهان در تبیین توافق، اکنون آنها ترجیح می‌دهند به جای توافق به اختلاف بپردازند. در طول تاریخ اندیشه، معرفت‌شناسان کوشیده‌اند امکان اموری هم‌چون «شناخت»، «علم»، و «صدق» را نشان دهند، اموری که، در یک معنا، توافق‌های آدمیان را نشان می‌دهند. به نظر می‌رسد این کوشش‌ها به بن‌بست رسیده باشد و این یک دلیل برای رونمود به بحث اختلاف است.

بدین‌سان، بحث اختلاف در شاخه‌های گوناگون فلسفه مطرح است: در فلسفه اخلاق، برخی از وجود و فراوانی اختلاف در زمینه احکام اخلاقی بر ناواقع‌گرایی اخلاقی استدلال کرده‌اند؛^۲ هم‌چنین، در فلسفه دین، بحث اختلاف دینی بحثی بسیار پر دامنه است؛^۳ نیز، در فلسفه سیاست، پرسشی جدی در رابطه با شیوه اداره جوامع امروزی مطرح است از این جهت که این جوامع اختلاف‌نظرهای بسیاری را در خود دارند.^۴ بحث اختلاف در معرفت‌شناسی را می‌توان مبنایی برای همه این بحث‌ها دانست. یک سرپرسش معرفت‌شناختی در زمینه اختلاف این است که اختلاف میان آدمیان چه پی‌آوردی برای مقوله‌های معرفت‌شناختی هم‌چون «شناخت»، «صدق»، و «توجیه معرفتی» دارد. در معرفت‌شناسی تحلیلی، بحث اختلاف متمرکز شده است بر شکل خاصی از اختلاف که

1. Hume 1969: 41.

۲. برای مثال: Mackie 1982.

۳. برای بحث خوبی از اختلاف دینی در رابطه با مباحث معرفت‌شناختی بنگرید به (Kraft, 2012).

۴. برای یک مثال، (Larmore, 1994) بحث می‌کند که اختلاف عقلانی، و نه کثرت‌گرایی صرف، مشخصه یک جامعه آزاد است.

تحت عنوان‌هایی چون «اختلاف عقلانی»^۱، «اختلاف خردمندان»^۲، «اختلاف بی‌خطا»^۳، و «اختلاف همتایان»^۴ از آن یاد می‌شود. در این نوشتار، ضمن واکاوی انگاره‌های مربوط به این بحث، پرسش‌های اصلی آن طرح شده و پاسخ‌های موجود بررسی می‌شود. نشان داده می‌شود که مسأله اختلاف عقلانی گشودنی است اگر (۱) عقلانیتی جمع‌گرا را در کنار عقلانیت فردگرا به رسمیت بشناسیم؛ و (۲) به شناخت چنان امری پویا و متغیر، و نه ایستا و ثابت، بنگریم. بر این اساس، روشن خواهد شد که عقلانیت و خردپذیری اختلاف از نفس گفت‌وگوی مربوط به آن مایه می‌گیرد و زین‌رو این شکل از اختلاف تا هنگامی عقلانی است که گفت‌وگو بطور بالفعل یا بالقوه برقرار باشد.

۱- اختلاف همتایان: تعریف

معرفت‌شناسان، قید و بندهایی بر اختلاف می‌نهند تا آن را از اختلاف سطحی، اختلاف خط‌آمین، اختلاف ناهم‌سنگ و اختلاف صوری متمایز کنند. اختلاف سطحی زمانی است که می‌شود تصور کرد با گفتگوی بیشتر اختلاف برطرف شود؛ اختلاف خط‌آمین زمانی است که اختلاف ناشی از خطای یکی از طرف‌های اختلاف یا هردوی آنها باشد؛ اختلاف ناهم‌سنگ زمانی است که طرف‌های اختلاف از نظر توانایی‌ها و داشته‌های معرفتی مربوط به بحث هم‌سطح نباشند بلکه یکی تخصص یا آگاهی بیشتری نسبت به دیگری داشته باشد؛ و سرانجام، اختلاف صوری زمانی است که اصولاً طرف‌های اختلاف از دو چیز متفاوت سخن می‌گویند و به‌واقع اختلافی میان‌شان نیست.

اختلاف در شکل سطحی یا خط‌آمین یا ناهم‌سنگ یا صوری را می‌توان از جهت عملی بررسی کرد؛ می‌توان پرسید کی و با چه شرایطی مخالفت کردن سودمند است. یا، از منظر اخلاقی، می‌توان پرسید کی اخلاقاً وظیفه داریم با دیگران مخالفت کنیم. اما از نظرگاهی معرفت‌شناختی اختلاف وقتی موضوعی ارجمند است که: سطحی نباشد بلکه با وجود بحث و گفتگوی کافی و به اشتراک گذاشتن دلایل و شواهد باقی مانده باشد؛ حاکی از توازن معرفتی باشد به این معنا که میان دو یا چند شناسنده مطرح باشد که امتیاز معرفتی ویژه‌ای نسبت به هم‌دیگر نداشته بلکه همتای معرفتی شمرده می‌شوند؛ خط‌آمین نباشد یعنی حاصل خطای معرفتی طرف‌های اختلاف نباشد؛ صوری نباشد به این معنا

1. rational disagreement

2. reasonable disagreement

3. faultless disagreement

4. peer disagreement

که بر سرِ موضوعِ واحدی باشد. اختلاف با این شرایط را اصطلاحاً «اختلافِ عقلانی» می‌نامند. گفته می‌شود اختلافِ عقلانی میانِ «همتایانِ معرفتی» و پس از بحثِ کافی و «آشکارسازیِ دلایل» رخ می‌دهد. در بخشِ بعدی، بحثِ همتاییِ معرفتی و آشکارسازیِ دلایل را بیشتر می‌کاویم.

۱-۲- همتایی معرفتی

در نگاهِ نخست می‌توان به پیروی از توماس کلی^۱ همتایانِ معرفتی را با دو ویژگی زیر تعریف کرد: کسانی که (۱) از جهتِ آشنایی با دلایل و شواهدِ مربوط به موضوع با یکدیگر برابر باشند و (۲) از نظرِ فصیلت‌های معرفتی همچون هوش، اندیشه‌ورزی، و عدمِ تعصب برابر باشند. ویژگیِ نخستِ مستلزمِ آشکارسازیِ دلایلِ طیِ فرایندِ اختلاف است. بنابراین، همتاییِ معرفتی صرفاً امری مربوط به پیش از اختلاف نیست که طرف‌های اختلاف بتوانند آن را از پیش تشخیص دهند، بلکه امکان دارد، پس از گفتگوی ناشی از اختلاف، دیدگاهِ طرف‌های اختلاف راجع به همتابودگیِ یکدیگر تغییر کند. طیِ فرایندِ به‌اشتراک‌گذاریِ دلایل و شواهد، طرف‌های اختلاف نظری راجع به سطحِ معرفتیِ همدیگر پیدا می‌کنند و اختلافِ زمانیِ عقلانیِ شمرده می‌شود که اختلاف‌مندان پس از این فرایندِ یکدیگر را همتای معرفتی بشمارند. اما می‌توان تصور کرد کسانی دو ویژگیِ بالا را داشته باشند اما باز نتوان آنها را همتای معرفتی دانست. مثلاً در زمانِ اختلاف ممکن است یکی از طرف‌های اختلاف که به اندازهٔ طرفِ دیگر از فصیلت‌های معرفتی برخوردار است و به اندازهٔ او با دلایل و شواهدِ مربوط به موضوعِ آشنایی دارد، توسطِ عاملی بیرونی، مثلاً دارویی خاص، منحرف شود. این ایرادی است که به نظر من می‌توان بطورکلی به معرفت‌شناسیِ فصیلت^۲ وارد کرد. فصیلت‌های معرفتی هرچند امکانِ خطا را کاهش می‌دهند، اما شخص را یکسره از خطا مصون نمی‌کنند، بلکه شخصی که از این فصیلت‌ها برخوردار است ممکن است گاهی تحتِ تأثیرِ عواملِ بیرونی مرتکبِ خطای معرفتی شود. برای رفعِ این امکان، آدام الگا^۳ می‌کوشد همتابودگیِ معرفتی را بر حسبِ خطاپذیری تعریف کند. به دید او، دو کس همتای معرفتی‌اند اگر در زمانِ مربوطه به یک اندازه مستعدِ خطا باشند. بدین‌سان، با افزودنِ شرطِ خطاپذیریِ یکسان که امری مربوط به لحظه و زمانِ انجامِ کنشِ معرفتی است از

1. Kelly 2005: 177.

2. virtue epistemology

3. Elga, 2007: 491-492

کلی‌گویی معرفت‌شناسی فضیلت فاصله می‌گیریم و قیدی اینجایی اکنونی برای همتابودگی معرفتی برمی‌نهمیم.

در بیانی کامل‌تر از دو بیان کلی و الگا می‌توان همتایان معرفتی را کسانی دانست که هم بر حسب شرایط درونی‌گرایانه^۱ شناخت (برخورداری و دسترسی درونی و فردی به دلایل له و علیه) و هم بر حسب شرایط بیرونی‌گرایانه^۲ شناخت (اعم از برخورداری از فضایل معرفتی و نبود رهندهای بیرونی برای کنش معرفتی) با هم هم‌سنگ باشند. اساساً در هر کنش شناختی عوامل درونی‌گرایانه و بیرونی‌گرایانه هم‌زمان در نتیجه کنش دخیل‌اند و زین‌رو درونی‌گرایی و بیرونی‌گرایی دو شق مانع‌الجمع نیستند که ما ناگزیر باشیم یکی را برگزینیم، بلکه گویا رویکرد واقع‌بینانه به شناخت تلفیقی از این دو باشد. گویا توماس کلی هم دو جنبه درونی‌گرایانه و بیرونی‌گرایانه شناخت را در نظر داشته است، چون در یک شرط دسترسی و آشنایی با دلایل و شواهد را مطرح می‌کند و در شرط دوم عوامل بیرونی‌گرایانه شناخت را قید می‌کند. اما ایراد نظر کلی این است که عوامل بیرونی‌گرایانه را صرفاً به فضیلت‌های معرفتی محدود می‌سازد که به‌تنهایی رهنده خطا نیستند.^۳

۲- اختلاف همتایان: پرسش‌ها

ما بطور شهودی میان اختلاف همتایان و اختلاف ناهمتایان فرق می‌نهمیم. اکنون، پرسش این است که از نظر معرفت‌شناختی سرچشمه این تفاوت چیست. یک پاسخ این است که در اختلاف ناهمتایان می‌توان پرسش از عقلانیت را به‌آسانی پاسخ داد، ولی در اختلاف همتایان این کار آسان نیست، اگر اصلاً شدنی باشد؛ در اختلاف ناهمتایان، طرفی که از نظر معرفتی فروتر است باید نظر طرف مقابل را بپذیرد و بدین‌سان اختلاف پایان می‌پذیرد. پس یک پرسش این است که حکم عقلانیت باورهای همتایان اختلاف‌مند چیست. این پرسش را می‌توان به دو پرسش مرتبط به هم واکاست: یکی پرسش از «امکان» و شرایط عقلانی بودن اختلاف همتایان، و دیگری پرسش از «وظیفه معرفتی» همتایان اختلاف‌گر. اولی پرسشی توصیفی است (چگونه است؟) و دومی پرسشی هنجاری (چه باید کرد؟). خواهیم دید که این دو پرسش با هم در پیوندند. در ادامه به این دو پرسش می‌پردازیم.

1. internalist

2. externalist

۳. درونی‌گرایی و بیرونی‌گرایی در معرفت‌شناسی معمولاً چونان دو رهیافت متمایز و ناسازگار مطرح‌اند که انتخاب یکی مستلزم نفی دیگری است. اما کوشش‌هایی هم برای تلفیق این دو رهیافت صورت گرفته است. در اینجا آن‌ها را چون دو رهیافت مکمل در نظر داریم.

۲-۱- اختلاف عقلانی: امکان بیرونی و امکان درونی

به نظر می‌رسد مهم‌ترین دلیل برای امکان اختلاف عقلانی واقعیت‌های معرفتی زندگی بشری باشد. چه در حوزه‌های تخصصی علم و چه در زندگی روزمره بسیار می‌بینیم که خردمندان با همدیگر اختلاف می‌کنند. برای مثال، شاید بتوان تئوری‌های علمی رقیب در هر دوره‌ای را نمونه‌هایی از اختلاف عقلانی به شمار آورد. با این روی، ممکن است ایراد شود که این نمونه‌ها نمونه‌هایی از اختلاف همتایان با شرایط پیش‌گفته نیستند بلکه صرفاً نمونه‌هایی از اختلاف ناهمتایان اند.

پرسش از امکان را می‌توان به امکان شرایط اختلاف عقلانی معطوف کرد. نخست، می‌توان پرسید آیا به‌واقع شدنی است که دو کس از نظر معرفتی هم‌تا شوند؟ این پرسش از این جهت اهمیت دارد که با دقتی ریاضی شاید هیچ دو شناسنده‌ای را نتوان دقیقاً از نظر معرفتی هم‌سنگ دانست. دوم، می‌توان پرسید آیا آشکارسازی کامل دلایل شدنی است؟ آیا اصولاً شناسنده می‌تواند به همه دلایل ریز و درشتی که هریک از باورهایش را پشتیبانی می‌کند خودآگاه باشد، چه رسد به اینکه آنها را با دیگری در میان بگذارد؟ و آیا همه دلایل به‌اشتراک‌گذاشتنی و بیان‌پذیرند؟ می‌توان با ناممکن‌شمردن حصول شرایط همتایی اختلاف عقلانی را ناممکن شمرد. این دیدگاه را در اینجا «امکان‌ناپذیری بیرونی» اختلاف عقلانی می‌نامیم که می‌گوید پیش‌شرط‌ها یا لوازم بیرونی اختلاف عقلانی، یعنی همتابودگی معرفتی طرف‌های دخیل و یا آشکارسازی کامل دلایل، هیچ‌گاه بطور کامل تحقق نمی‌پذیرند.

درمقابل امکان‌ناپذیری بیرونی، آنچه در این نوشتار «امکان‌ناپذیری معرفت‌شناختی» می‌خوانیم می‌گوید: به‌فرض که شرایط و لوازم بیرونی اختلاف همتایان فراهم باشد یعنی کسانی که به‌واقع و دقیقاً همتایان معرفتی‌اند و بر سر موضوعی اختلاف دارند دلایل خود را بطور کامل بر هم آشکار سازند آن‌گاه دیگر از نظر معرفت‌شناختی باقی‌ماندن در چنین اختلافی را نباید عقلانی دانست و در نتیجه یا باید یکی به نفع دیگری از دیدگاهش عقب‌نشینی کند و یا دو طرف باورمندی را تعلیق کنند. به عبارت دیگر، بر اساس این دیدگاه، خردمندان پس از گفتگوی کافی بر اختلاف باقی نخواهند ماند. بسیاری از معرفت‌شناسان به این نظر تمایل دارند. اما اگر گفته شود پس چگونه است که این همه اختلاف در پهنه‌های گوناگون میان کسانی پیش می‌آید که خردمند و عقلانی شمرده می‌شوند، و چنان اختلاف‌هایی پس

از گفتگوهای طولانی برطرف نمی‌شود، طرفداران دیدگاه امکان‌ناپذیری معرفت‌شناختی خواهند گفت در این موارد یا گفتگو به حد کافی انجام نشده است و یا طرف‌های درگیر نه شناسنده‌های عقلانی بی‌غرض بلکه نابخردان یا منفعت‌طلبانی هستند که هدف‌شان اساساً امری غیرمعرفتی است. به سخن دیگر، به نظر این گروه، اختلاف و عقلانیت با همدیگر در تضاد است و اختلاف عقلانی یک ناسازه است که دو پاره آن با همدیگر ناهم‌خوانی دارند. یک انگیزه برای ناممکن دانستن اختلاف عقلانی پی‌آمدهایی است که تصور می‌شود این دیدگاه برای بحث عقلانیت دارد. نظریه‌های عقلانیت به این پرسش پاسخ می‌دهند که برای هر فردی در یک زمان معین چه باورها و چه تصمیم‌هایی عقلانی و خردمندانه است. پذیرش امکان اختلاف عقلانی عقلانیت باورمندی را دچار پیچیدگی می‌کند. زیرا ضمن اختلاف عقلانی، یک شخص عقلانی با اینکه دلایلی بسنده برای نظر خود دارد و از این جهت در باورمندی خود عقلانی عمل می‌کند خود را در اختلاف با شخص عقلانی دیگری می‌بیند که همتای معرفتی او است و او نیز دلایلی بسنده برای نظر خود دارد. در این حالت دشوار است تعیین کنیم که چه تصمیم معرفتی از طرف شرکت‌کنندگان در چنین اختلافی عقلانی است.

۲-۲- اختلاف عقلانی: وظیفه معرفتی

اگر فرض کنیم شرایط بیرونی اختلاف هم‌تایان تحقق‌پذیر باشد، آن‌گاه این پرسش هنجاری طرح‌کردنی است که وظیفه معرفتی طرف‌های درگیر در چنین اختلافی چیست. بیشتر دیدگاه‌های مطرح در زمینه اختلاف عقلانی امکان‌پذیری بیرونی آن را پذیرفته و امکان‌پذیری معرفت‌شناختی آن و بایدکردهای معرفتی طرف‌های دخیل در اختلاف را بررسی می‌کنند. روشن است که پیش‌فرض چنین پرسش‌هایی نوعی اختیارگرایی معرفتی است. طبق اختیارگرایی معرفتی، شناسندگان به نحوی کم یا بیش بر معرفت خود کنترل دارند. هم‌چنین، پاسخ به پرسش هنجاری به نگاه کلی ما به شناخت و توجیه وابسته است. مثلاً، اگر عرصه شناخت و توجیه را عرصه‌ای بدانیم که نحوه‌ای تکثر در آن رواست، آن‌گاه هنجار ما برای هم‌تایان اختلاف‌مند نیز هنجاری آسان‌گیرانه‌تر خواهد بود و امکان نگاه‌داشت باور را به طرف‌های درگیر می‌دهد. برعکس، اگر عرصه شناخت و توجیه را تکثرناپذیر بدانیم طبیعتاً هنجار سخت‌گیرانه‌تری برای اختلاف‌مندان هم‌تا وضع خواهیم کرد. بر این اساس، طیفی از دیدگاه‌ها در زمینه وظیفه شخص طی اختلاف با همتای

معرفتی خود طرح شده است. این دیدگاه‌ها درحقیقت بازگوکنندهٔ عقلانیتی است که باید اختلافِ همتایان را مدیریت کند. در ادامه به این دیدگاه‌ها می‌پردازیم.

۲-۱-۲- باورمندی/ناباورمندی/بی‌باوری

در یک تقسیم‌بندی کلی، سه دسته پاسخ به پرسش از وظیفهٔ معرفتی همتایان اختلاف‌مند ممکن است: در دستهٔ نخست دیدگاه‌هایی قرار دارند که وظیفهٔ همتایان اختلاف‌مند را حفظِ باورِ پیشین خود می‌دانند (باورمندی). برای مثال، آدام الگا معتقد است اندیشگری و کوشش معرفتی اولیهٔ ما که ما را به باورمان رسانده است مستلزم این است که همتای معرفتی خود را برخطا بشماریم.^۱ دیدگاه الگا، که به «دیدگاه دلایل درست»^۲ معروف است می‌گوید دلایل و شواهدی که ما را پیش از اختلاف به باورمان رسانده دلالت دارد بر اینکه باورِ مقابل نادرست است و زین‌رو ما باید بجای آنکه اعتبارِ باورِ خود را موردِ بازنگری قرار دهیم هرچه بیشتر از باورِ مقابل فاصله بگیریم.

در دستهٔ دوم دیدگاه‌هایی قرار دارند که می‌گویند همتایان اختلاف‌مند باید باورِ پیشین خود را رد کنند (ناباورمندی). این دیدگاه به‌خودی‌خود مبهم است. اگر نفیِ باورِ خویش به معنای پذیرشِ باورِ مقابل باشد، آن‌گاه چنین دیدگاهی در اختلافی که طرفِ مقابل دست‌بالا همتای معرفتی ما است پذیرفتنی نمی‌نماید. و وقتی نفیِ باورِ خویش به معنای نفیِ هم‌زمان باورِ مقابل باشد، دیدگاهی شکل می‌گیرد که به تعلیقِ باورِ معروف است. این دیدگاه وظیفهٔ همتایان اختلاف‌مند را معلق کردنِ باورِ (بی‌باوری) می‌داند. ریچارد فلدمن^۳، که از مدافعان این دیدگاه است، بر اساس دلیل‌گرایی^۴ استدلال می‌کند که پذیرفتنی‌ترین گزینه برای همتایان اختلاف‌مند معلق گذاشتنِ باور است. او معتقد است دلیل‌گرایی در موردِ هر باوری امکان سه‌کار را می‌دهد: پذیرش، رد، و تعلیق. و وظیفهٔ معرفتی در اختلافِ همتایان تعلیقِ باور است نه پذیرشِ باور و نه ردِ آن.^۵

یک پرسش مرتبط در اینجا پرسش از چیستی و امکانِ تعلیقِ باور است. آیا درعمل امکان دارد ما در زمینه‌ای حکم را یکسره معلق کنیم؟ آیا تعلیقِ حکم درواقع همان تعلیقِ

1. Elga 2007: 489-90.

2. right-reasons view

3. Feldman 2006: 294

4. evidentialism

۵. فلدمن در (Feldman, 2011) نیز از همین دیدگاه دفاع می‌کند. اما در (Feldman, 2009) با نگاهی دقیق‌تر از دیدگاهی موسوم به دیدگاه «کل دلایل» دفاع می‌کند که طبق آن وظیفهٔ همتایان اختلاف‌مند را مجموعهٔ دلایلی تعیین می‌کند که پس از اختلاف در دست دارند.

حکم قطعی و در نتیجه داشتن باوری تعدیل شده نیست؟ زین بیش، وقتی آشکارا از دو باور ناسازگار، مثلاً پ و نه پ، نمی‌توانیم هردو را هم‌زمان بپذیریم، آیا می‌توانیم هردو را هم‌زمان و یکسره رد کنیم. همچنین، لازم است نسبت تعلیق باور در یک زمینه با شکاکیت در آن زمینه روشن شود، زیرا، چنان‌که برخی از معرفت‌شناسان گفته‌اند، تعلیق باور به شکاکیت دامن می‌زند. مثلاً ون اینواگن^۱ معتقد است باید چاره‌ای برای مسأله اختلاف عقلانی وجود داشته باشد و این چاره نباید تعلیق باور باشد، زیرا به نظر او اگر جز این باشد ما تن به پذیرش شکاکیت می‌دهیم و شکاکیت نمی‌تواند پاسخ درستی باشد.^۲

۲-۲-۲- دیدگاه وزن برابر

دیدگاهی پرترفدار در زمینه وظیفه معرفتی همتایان اختلاف‌گر به «دیدگاه وزن برابر» موسوم است. طبق این دیدگاه، هر یک از همتایان در یک اختلاف باید به دیدگاه خود و دیدگاه طرف مقابل وزن معرفتی برابری بدهد بدین صورت که درجه باورمندی خود را کاهش دهد. دیوید کریستینسن^۳ که از این دیدگاه دفاع می‌کند معتقد است دو همتای معرفتی که بر سر موضوعی اختلاف دارند باید «تفاوت را سرشکن کنند»^۴ و باورمندی خود را تجدید کنند.^۵

دیدگاه وزن برابر آشکارا بر بینشی استوار است که معرفت‌شناسی بیزی^۶ در اختیار ما قرار داده است و طبق آن قضیه از این قرار نیست که ما یا به چیزی باور داریم یا نه، بلکه باورهای ما غالباً سرشتی تشکیکی و درجه‌ای دارند. به سخن دیگر، همواره این‌گونه نیست که ما باوری را یا یکسره می‌پذیریم یا یکسره رد می‌کنیم، بلکه بیشتر باورهایمان را در واقع فقط تا اندازه‌ای پذیرفته‌ایم. بر اساس معرفت‌شناسی بیزی، سپهر معرفتی ما نه سراسر سیاه سفید، بلکه بیشتر پهنه آن خاکستری است. بر این اساس، در مواجهه با مخالف عقلانی نیز ما نه یکسره باور خود را قربانی می‌کنیم و نه آن را یکسره حفظ می‌کنیم بلکه درجه باورمندی خود را کاهش می‌دهیم و باور خود را تعدیل می‌کنیم.

1. Van Inwagen 1999.

۲. شکاکیت مورد نظر ون اینواگن به بیان دقیق‌تر نوعی شکاکیت فلسفی است که به موجب آن ما در رابطه با همه موضوعات فلسفی که فیلسوفان در آن اختلاف نظر دارند باید شکاک باشیم. به نظر او شکاکیت فلسفی پذیرفتنی نیست و در نتیجه تعلیق باور پاسخ مناسبی به بحث اختلاف عقلانی نیست.

3. split the deference

4. Christensen 2007.

5. Bayesian Epistemology

۳- بررسی پاسخ‌ها

تا اینجا انگاره «اختلافِ همتایان» را واکافتیم، سرپرسش‌های این بحث را بازگفتیم، و پاسخ‌های اصلی موجود را بازگو کردیم. در این بخش این پاسخ‌ها را می‌سنجیم. چنان‌که پیشتر اشاره شد، بحثِ اختلافِ عقلانی ریشه در تفاوتی دارد که ما بطور شهودی میان دو نوع اختلاف‌مندی برقرار می‌کنیم. ما بطور شهودی میان اختلافِ همتایان و اختلافِ ناهمتایان فرق می‌نهیم، میان اختلافِ کسانی که از نظر آگاهی و توانایی‌های شناختی در یک سطح‌اند و کسانی که در یک سطح نیستند تمایز می‌گذاریم. اختلافِ ناهمتایان از نظر معرفت‌شناختی مسأله‌ساز نیست، چون در این حالت اختلاف یا ناشی از خطای معرفتی یا ناشی از کمبود معرفتی یکی از اختلاف‌مندان یا هر دو می‌آنها است. پس، چنان‌که گفته شد، در این شکل از اختلاف پس از گفتگوی کافی کسی که از نظر معرفتی در جایگاهی فروتر قرار دارد باید نظر طرف مقابل را بپذیرد و اختلاف پایان می‌پذیرد. به عبارت دیگر، در چنین شرایطی عقلانی نیست که اختلاف ادامه یابد. اما تعیین «باید معرفتی» در نمونه‌های اختلافِ همتایان بسیار دشوار است، زیرا در این حالت، بنا به فرض، هیچ یک از طرف‌های اختلاف خطایی معرفتی مرتکب نشده است و هر دو طرف اختلاف به یک اندازه و به اندازه کافی از دلایل و شواهد همدیگر مطلع‌اند. افزون بر تفاوتی که بطور شهودی میان دو شکل از اختلاف برقرار می‌کنیم، با نظر به واقعیت‌های معرفتی زندگی بشری و وجود اختلاف‌های بسیار میان خردمندان و متخصصان که حتی پس از بحث‌های طولانی باقی می‌ماند، حکم به عدم امکانِ اختلافِ عقلانی خردپذیر نیست. با این حساب، راهی جز تبیین امکان این شکل از اختلاف نمی‌ماند. در بخش بعد این کار را از راه بازنگری در رویکردمان به عقلانیت معرفتی انجام می‌دهیم.

۳-۱- عقلانیت: فردگرا/جمع‌گرا؟ ایستا/پویا؟

گفتیم که یک مسأله اساسی در رابطه با بحثِ اختلافِ همتایان پی‌آورد آن برای بحثِ عقلانیت است. در اینجا پرسش این است: آیا و چگونه می‌توانیم در مواجهه با همتایانِ ناهم‌نظر باور خود را بطور عقلانی نگاه داریم؟ به نظر می‌رسد در اینجا نیاز داریم میان سطح‌ها و شکل‌های مختلفِ عقلانیت تمایز بگذاریم. پیش از هر چیز، لازم است عقلانیتِ فردی و عقلانیتِ جمعی را از همدیگر متمایز کنیم. درکِ نیاز به یک نگرش جمع‌گرایانه به عقلانیت دشوار نیست و این نیاز حتی با نگاهی ابتدایی به کردوکار معرفتی آدمیان

نیز احساس می‌شود. چون حتی فردی‌ترین باورهای ما هم تا اندازه‌ای با تأیید دیگران تقویت می‌شود. اعتقاد به یک خلوت معرفتی خودبسنده، که در بردارنده باورهایی است که توجیه‌شان فقط از داشته‌های معرفتی خود شخص مایه می‌گیرد، به نوعی خودتنهانگاری معرفتی^۱ منجر می‌شود که دیدگاهی قابل دفاع نیست.

در حالی که بی‌گمان برای یک شخص معرفتی واحد غیرعقلانی است که دو باور ناسازگار را هم‌هنگام بپذیرد، در اجتماعی از شناسندگان عقلانی وجود باورهای ناسازگار از یک سو گریزناپذیر و از سوی دیگر مطلوب است. گریزناپذیر است چون، کردوکار معرفتی ما انسان‌ها بر زمینه‌ای از امکان‌ها و انتخاب‌ها شکل می‌گیرد و این امر به انتخاب‌گری ما در کنش‌های معرفتی، یعنی به تشخص و تفرد شناختی ما، معنا می‌دهد؛ مطلوب است چون هر پیشرفت معرفتی آشکارا بر زمینه‌ای از اختلاف‌نظر میان شناسندگان عقلانی حاصل می‌شود. این واقعیتی است که تاریخ علم بر آن گواهی می‌دهد. بنابراین، نیاز داریم از یک رویکرد یگانه‌گرا در زمینه عقلانیت فاصله گرفته و، در کنار عقلانیت فردگرا که برای کنش‌های معرفتی فردی مناسب است، مدلی از عقلانیت جمع‌گرا را صورت‌بندی کنیم که اختلاف‌نظر میان خردمندان را ممکن می‌سازد.

زان‌بیش، لازم است میان نگرش ایستا به عقلانیت و نگرش پویا به آن تمایز بگذاریم. شکی نیست که هر کنش‌گر معرفتی در هر لحظه از کار و بار معرفتی‌اش باید مجموعه‌ای سازگار از باورها را بپذیرد. اما این نگاه ایستا به معرفت انسانی نگاهی واقع‌بینانه نیست، چرا که سپهر معرفتی انسان همواره در حال تحول و دگرگونی است و زین‌رو ابتدای عقلانیت بر یک لحظه معرفتی واحد و ایستا در عمل فایده‌چندانی برای ما نخواهد داشت. در عوض، نگرش ما به عقلانیت باید پویایی شناخت و تغییر معرفتی را در نظر داشته باشد. نگرش پویا به عقلانیت این واقعیت را نادیده نمی‌گیرد که ایستار ما در رابطه با یک باور در یک لحظه ممکن است با لحظه پیشین یا لحظه پسین متفاوت باشد. به نظر می‌رسد این نگرش پویا به عقلانیت جا را برای امکان اختلاف عقلانی باز می‌کند، زیرا در فرایند اختلاف‌همتایان توجیه‌مندی و در نتیجه باورمندی ما به نوعی لرزانی و بی‌تعادلی دچار می‌شود که هر لحظه احتمال بازنگری و تغییر در آن وجود دارد. یک نگرش پویا به عقلانیت این لرزانی و بی‌تعادلی را در نظر می‌گیرد و، بر این اساس، به معرفت نه چون یک لحظه بلکه چونان یک فرایند می‌نگرد.

1. epistemic solipsism

اما اگر جمع‌بودن و پویایی شناخت را بخواهیم در نگرش‌مان نسبت به عقلانیت اختلاف عقلانی لحاظ کنیم، آن‌گاه لازم است لوازم این جمع‌بودگی و پویایی را چونان شرط عقلانیت در نظر بگیریم. بستر این دو ویژگی آن دسته از کنش‌های معرفتی است که بر محور گفت‌وگوی شناسندگان شکل می‌گیرند؛ کنش‌های گفت‌ووبنیاد بستری واقعی برای ارتباط معرفتی شناسندگان عقلانی فراهم می‌سازند، ارتباطی که طی آن شناخت، بر زمینه‌ای غیرفردی، تغییر و تحول یافته و سیر تکاملی خود را طی می‌کند. بدین‌سان، برقراربودن گفتگو، خواه بطور بالفعل و خواه بطور بالقوه، شرط عقلانیت اختلاف‌همتیان معرفتی است. طبق یک دیدگاه‌پرپذیرش، عقلانیت بر پیوندی استوار است که فعالیت معرفتی ما با صدق برقرار می‌کند. حال از آنجا که باورهای همتیان اختلاف‌مند گفتگویی را شکل می‌دهند که لازمه پویایی و پیشرفت شناخت است، این باورها لازمه در مسیر صدق بودن‌اند و کل فرایند گفتگو که دربردارنده این باورها است در جهت دستیابی به صدق شکل می‌گیرد. پس این شکل از اختلاف دست‌کم در یک معنا عقلانی است، در معنای رهنمایی ما در جهت صدق.

اما، اگر می‌توان شکلی از عقلانیت را صورت‌بندی کرد که باورهای همتیان اختلاف‌مند را شامل شود، آن‌گاه وظیفه معرفتی برای مشارکت‌کنندگان در این نوع اختلاف کنارگذاشتن باور خویش یا تعلیق باور بطورکلی نخواهد بود. رد باور خویش و پذیرش باور مقابل به معنای ترجیح مسیر معرفتی شخصی دیگر است که لزوماً بر مسیر معرفتی خود شخص برتری ندارد. تعلیق باور نیز به توقف معرفتی می‌انجامد که نه‌تنها ناممکن است بلکه، چنان‌که گفته شد، برخی چنان توقف معرفتی را چیزی جز شکاکیت نمی‌دانند. با این همه، اما، نمی‌توان گفت که نفس اختلاف با همتای معرفتی هیچ‌گونه تأثیری بر باورمندی شخص نخواهد داشت. بطورمعمول شخص در این وضعیت باور خود را تا اندازه‌ای تعدیل می‌کند. پس خردپذیرترین دیدگاه درباره جنبه‌های جاری بحث اختلاف عقلانی دیدگاه وزن برابر است.

۴- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این نوشتار مبحث اختلاف‌همتیان را معرفی کردیم، انگاره‌های اصلی آن را کاویدیم، سرپرسش‌های آن را طرح کردیم، و پاسخ‌های موجود به این پرسش‌ها را بررسی کردیم. نشان دادیم که برای تبیین امکان اختلاف عقلانی بایسته است نگرش خود به عقلانیت

معرفتی را اصلاح کنیم. مهم‌تر از همه، لازم است در صورت‌بندی نظریهٔ عقلانیت دو ویژگی معرفت‌انسانی را در نظر داشته باشیم، یکی جمع‌بودن و دیگری پویا بودن. از آنجا که این دو ویژگی بر بستر کنش‌های معرفتی گفتگو بنیاد صورت می‌گیرد، نتیجه گرفتیم که برقراربودن گفتگو یک شرط بیرونی برای عقلانیتِ شکلی از اختلاف است که در این نوشتار مورد بحث قرار دادیم. بر این اساس، در رابطه با پرسش‌هنجاری در بحث اختلاف‌همتایان نیز نتیجه گرفتیم که وظیفهٔ معرفتی اختلاف‌مندان ردِ باورِ خود یا تعلیقِ باور بطورکلی نیست بلکه برای آنها تنها کافی است که باورِ خود را به نحو مناسب تعدیل کنند. ■

- Aumann, Robert J. "Agreeing to disagree." *The annals of statistics*, 1236-1239, 1976.
- Christensen, David. "Epistemology of disagreement: The good news." *The Philosophical Review*, 187-217, 2007.
- Elga, Adam. "Reflection and disagreement." *Noûs*, 41.3, 478-502, 2007.
- Feldman, Richard. "Epistemological puzzles about disagreement." *Epistemology futures*, 216-36, 2006.
- Feldman, Richard. "Evidentialism, higher-order evidence, and disagreement." *Episteme*, 6.03, 294-312, 2009.
- Feldman, Richard. "Reasonable religious disagreements." *Social Epistemology: Essential Readings*, 137, 2011.
- Hume, David. *A treatise of human nature*. Courier Dover Publications, 2012.
- Kelly, Thomas. "The epistemic significance of disagreement." *Oxford studies in epistemology*, 1, 167-196, 2005.
- Kraft, James. *The Epistemology of Religious Disagreement: A Better Understanding*. Palgrave Macmillan, 2012.
- Larmore, Charles. "Pluralism and reasonable disagreement." *Social Philosophy and Policy*, 11.01, 61-79, 1994.
- Mackie, John. *Ethics: Inventing right and wrong*. Penguin UK, 1977.
- McKelvey, Richard D., and Talbot Page. "Common knowledge, consensus, and aggregate information." *Econometrica: Journal of the Econometric Society*, 109-127, 1986.
- Sebenius, James K., and John Geanakoplos. "Don't bet on it: Contingent agreements with asymmetric information." *Journal of the American Statistical Association*, 78.382, 424-426, 1983.
- Van Inwagen, Peter. "Is It Wrong, Everywhere, Always, and for Anyone to Believe Anything on Insufficient Evidence?" *Faith, Freedom, and Rationality*. Lanham, MD: Rowman and Littlefield. 137-154, 1996.